

مدرسه حق دارد برای مجازات دانش آموز قانون وضع کند؟

فاطمه توکلی

دختر دانش آموز سال دوم راهنمایی در

اسلامشهر، تهران، با "پرونده‌ای" در دست و چشمان اشکیار همراه با مادرش از مدرسه به خانه آمد و خود را در حیاط خانه با نفت آتش زد؛ پایان اخراج از مدرسه. چیزی که خیال می‌کرد پرونده است در واقع چند برگه بی ارزش بود که برای هرچه نمایشی تر کردن ماجرا و درس عبرت شدن او زیر بغلش زده بودند.

آئین نامه انضباطی دانش آموزان که در ۱۷ ماده و هشت تبصره در ۲۵ خرداد ۱۳۷۱ در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است منبع اجرای قوانین انضباطی در مورد دانش آموزان است. هدف آئین نامه در ماده یک چنین ذکر شده است: "بیان موازین صحیح رفتار و انضباط دانش آموزان و تعیین چگونگی ترغیب و تشویق و تنبیه آنان به منظور رشد استعدادها و بهسازی رفتار و اخلاق و پیشگیری از تخلفات و جبران آنها." در بند الف آئین نامه یک رشته وظایف برای دانش آموزان تعیین شده و در بند ب موارد ترغیبی و تشویق برای دانش آموزانی که وظایف خود را خوب انجام می‌دهند ذکر شده است. بند ج حاوی روش تذکر به دانش آموزانی که در انجام وظایف خود کوتاهی کرده‌اند و تنبیه آنهاست. آخرین بند آئین نامه درباره وظایف واحد آموزشی در زمینه مقررات انضباطی است. در این آئین نامه انضباطی اشاره‌ای به تخلف مسئولان واحدهای آموزشی در زمینه تنبیه و تشویق نشده است.

آیا تنبیه بدنی در مدارس مجاز است؟

در آئین نامه انضباطی آمده است: "از اهانت و تنبیه بدنی جداً خودداری شود." محرم حیدری، معلم آموزش و پرورش، در این باره می‌گوید: "در شرایطی که در بعضی کشورهای جهان بیچاندن گوش دانش آموز در مدرسه غیرقانونی است، ما شاهد چنین تنبیه‌هایی در مدارس مان هستیم. پیگیری قانونی این موارد کمی خنده دار است و در حالی که جرایم خیلی بزرگ‌تری در کشور وجود دارد، به این نوع قانون شکنی‌ها اهمیت داده نمی‌شود. معلمان ما، بخصوص در مدارس پسرانه، عادت به تنبیه بدنی دارند. یک بار شنیدم معلمی

چنان به گوش دانش آموزی سیلی زده که پرده گوشش پاره شده است. در مدارس دخترانه هم تنبیه وجود دارد، اما نه به این شدت."

حیدری در مورد اخراج دانش آموزان می‌گوید: "بسیار مهم است که دانش آموز از حیطه فعالیت آموزش و پرورش خارج نشود. وقتی به هر دلیلی از حضور دانش آموز در مدرسه جلوگیری شود، او به انواع و اقسام مفسده رو خواهد آورد. از این رو، در آئین نامه اجرایی آموزش و پرورش ۸ مرحله برای تنبیه و تأدیب دانش آموزان ذکر شده است. متأسفانه در مدارس این مراحل به ترتیبی که در آئین نامه ذکر شده اجرا نمی‌شود و مدیران مدارس سلیقه‌ای عمل می‌کنند."



"برای چیزهایی از قبیل بلند بودن موی سر و بیرون بودن کمی از موی سر از مقنعه، آنقدر توی سر جوانان می‌زنند که باعث سرخوردگی و روگردانی آنها از اخلاق و مقررات می‌شود."



آئین نامه انضباطی می‌گوید: "ترتیب و تدریج

مناسب در اجرای تنبیهات رعایت شود." پریسا بحری، مشاور، مراحل اخراج یک دانش آموز طبق آئین نامه را چنین توضیح می‌دهد: "به دانش آموز خطای ابتدا تذکر شفاهی داده می‌شود. اگر خطا تکرار شود، تذکر کتبی در دفتر

انضباطی مدرسه ثبت می‌شود و به اطلاع اولیای دانش آموزان می‌رسد. برای بار سوم، تعهد کتبی گرفته می‌شود با تذکر این مطلب که در صورت تکرار، دانش آموز از مدرسه اخراج می‌شود. در پی ادامه چنین شرایطی، ابتدا اخراج موقت صورت می‌گیرد. اگر پس از اخراج موقت مشکل حل نشود و احساس شود که دانش آموز علاوه بر اینکه خودش خطا کار است دیگران را نیز منحرف می‌کند، پای منطقه به میان می‌آید. معمولاً در این مرحله به هسته مشاوره نامه می‌نویسند و فرم انضباطی مخصوص پر می‌کنند و اعلام می‌شود که حضور این دانش آموز در مدرسه مضر است و از هسته مشاوره منطقه می‌خواهند که در مورد دانش آموز جابه‌جایی صورت گیرد. در چنین وضعیتی مشاور منطقه با مدیر مدرسه صحبت می‌کند و دو دانش آموز از دو مدرسه را با هم معاوضه می‌کنند. البته مرکز مشاوره منطقه نیز به سرعت این کار را انجام نمی‌دهد. با مشاور مدرسه صحبت می‌کند و خطای دانش آموز را جویا می‌شود و بررسی می‌کند که آیا صلاح است جای دانش آموز عوض شود. سپس با اولیای دانش آموز صحبت می‌کند و تا ببیند نتایج احتمالی جابه‌جایی دانش آموز چه خواهد بود. اغلب دیده شده که وقتی دانش آموزی پایش به منطقه می‌رسد متنبه می‌شود."

در مورد جرایم خیلی بزرگ مثل جعل سند، پخش مواد مخدر، سرقت و قاچاق حق حضور در مدرسه از دانش آموز گرفته می‌شود، اما دانش آموز اخراجی می‌تواند به صورت متفرقه و خارج از محیط مدرسه به تحصیل ادامه دهد.

در چنین مواردی، که معمولاً پای نیروهای انضباطی هم به میان می‌آید، اخراج دائم صورت می‌گیرد اما آموزش و پرورش کسی را از تحصیل محروم نمی‌کند. حتی در صورتی که دانش آموز به زندان برود، در زندان هم امکان ادامه تحصیل وجود دارد. اما همه مدرسه‌ها همیشه این مراحل را طی نمی‌کنند و گاه مدیر مدرسه بدون مشورت با هسته مشاوره منطقه دانش آموز را اخراج می‌کند.

اگر مدیر مدرسه‌ای بدون طی مراحل که

در آئین نامه ذکر شده است دانش آموزی را از

انداختن دانش آموز از يك درس او را تنبيه كرد. اما در مواردی كه خطا اخلاقی است معمولاً دانش آموز ترسی ندارد، چون تنها حربه برای تنبيه دانش آموزان در موارد اخلاقی نمره انضباط است كه در همه دانش آموزان به يك اندازه مؤثر نیست.

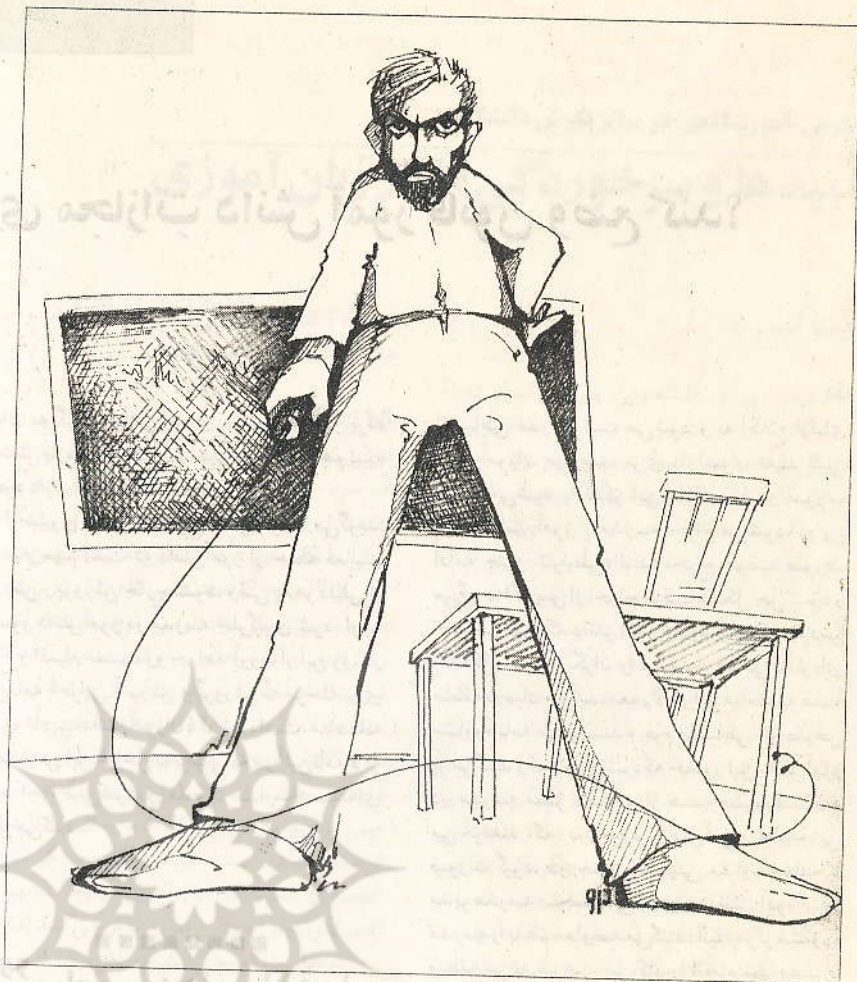
از نظر حدود اختیارات مسئولان واحدهای

آموزشی در رسیدگی به تخلفات دانش آموزان، مدیران و مسئولان مدارس موظف شده اند بر پایه آئین نامه انضباطی وظایف دانش آموز را به او بفهمانند و او را تشویق یا تنبيه کنند. اما در عمل دیده می شود كه مدیران مدارس وظایفی اضافه بر آنچه برای دانش آموزان تعیین شده مقرر می کنند و شیوه های برخورد تشویقی یا تنبیهی را به میل و سلیقه خود انجام می دهند.

مجدف، مشاور منطقه ۱۶ آموزش و پرورش، در این باره نظر می دهد: "در مدرسه ها می بینیم كه فهرست يك رشته تخلفات بسیار زشت و زننده را روی تابلوی اعلانات نصب می کنند و به دانش آموزان هشدار می دهند كه از آن تخلفات بپرهیزند. مطرح كردن این تخلفات زننده و سنگین باعث می شود دانش آموز به فكر بیفتد چه كارهایی می توان انجام داد و قبح چنان اعمالی با بیان آنها از بین برود. بعضی مدیران مدرسه آئین نامه انضباطی جداگانه ای دارند متفاوت از آئین نامه انضباطی آموزش و پرورش. این كار غیرقانونی است و در بعضی موارد موجب بروز تناقضهایی برای دانش آموز شده است. مثلاً كتابی را كه از وزارت ارشاد مجوز گرفته است به عنوان كالاى غیرقانونی از دانش آموز ضبط می کنند و این سؤال برای دانش آموز ایجاد می شود كه اگر این كتاب از وزارت ارشاد مجوز گرفته است و خواندن آن مانعی ندارد پس چرا از سوی مسئولان مدرسه منع می شود."

از آن سو، شماری از دانش آموزان می گویند كه مدرسه نباید كاری به شكل ظاهری آنها و نحوه لباس پوشیدنشان داشته باشد، در حالی كه مسئولان مدرسه این جنبه را هم نه تنها بخشی از پرورش اخلاقی و تربیتی دانش آموزان می دانند، بلکه خود را موظف به اجرای اصولی می دانند كه در راه بین خانه و مدرسه برای دانش آموزان وضع کرده است.

رویا صبوری، معاون مدرسه راهنمایی: "اشكال عمده رعایت نکردن ضوابط انضباطی از سوی دانش آموزان به خاطر برخوردهای سلیقه ای است و همین برخوردهای نادرست موجب شده كه فساد پنهانی شود و دانش آموزان كه از این برخوردها سرخورده می شوند اعمال خلاف خود را پشت درهای بسته انجام دهند. اما تنبيه و اخطار به دانش آموزان نباید بخاطر برخوردهای غلط نادیده گرفته شود. متأسفانه در حال حاضر برای چیزهایی از قبیل بلند بودن موی سر و بیرون بودن كمی از



آیا اخراج راه چاره است؟

بند ۱-۱۰ آئین نامه انضباطی: "تنبیه انضباطی باید جنبه روشنگرانه و آگاه کننده داشته باشد." پریسا بحری در مورد تاثیر اخراج بر دانش آموزان نظر می دهد: "باید نسبت به روحیات، مسائل، مشکلات، تواناییها و ضعفهای دانش آموزان دید کافی داشت و در مورد هر يك شیوه ای متناسب با شخصیت فرد به كار گرفت؛ در غیراین صورت، اخراج ابزاری بی اثر است. باید سعی شود كه ابتدا راههای مختلف را امتحان كرد و اگر این راهها به نتیجه نرسید بررسی شود كه آیا اخراج بر دانش آموز اثرگذار است یا خیر." بحری معتقد است به موارد تشویقی كه در آئین نامه ذكر شده توجه چندانی نمی شود. اگر موارد تشویقی اجرا شود موارد به كارگیری تنبیهات خودبه خود پائین می آید.

او درباره تفاوت های خطای درسی و اخلاقی می گوید: "تخطی از موارد ذكر شده در آئین نامه انضباطی برای دانش آموزان جرم محسوب می شود، چه تخطی اخلاقی باشد یا درسی. اما در عمل دیده شده كه در موارد اخلاقی سختگیری بیشتری می شود، چون اگر تخطی درسی باشد می توان با كم كردن نمره درسی یا مردود كردن و یا

تحصیل محروم كند چگونه با او برخورد می شود؟ ثریا احدی، معاون مدرسه: "بارها دیده شده كه مدیران مدارس دانش آموز خطای را بدون طی مراحل قانونی از مدارس اخراج کرده اند و به او نطمات روحی و تحصیلی زده اند. در چنین وضعی، هیچ گاه دیده نشده كه م.یر مدرسه را محاکمه کنند و معمولاً آموزش و پرورش برای حفظ ظاهر هم كه شده طرف مدیر را می گیرد، حتی اگر پدر و مادر دانش آموز شكایت کنند. در چنین موردی فقط مدیر مدرسه را در خفا توبیخ می کنند اما او را برای كاری غیرقانونی تنبيه و مجازات نمی کنند. به هر حال، آموزش و پرورش به كارمندان خود نیاز دارد."

به نظر احدی، "در دوره دبیرستان اخراج كمتر صورت می گیرد، چون معمولاً بچه ها هدف زندگی خود را انتخاب کرده اند و می خواهند زودتر درستان را بخوانند و وارد محیط كار یا دانشگاه شوند، مسئولانه تر رفتار می کنند و كمتر مرتكب خلاف می شوند. اما در دوره راهنمایی این مسئله حادث است، چون دانش آموز در پیدا كردن هدف و راه زندگی خود هنوز گیج و سردرگم و از نظر شخصیتی بسیار حساس و آسیب پذیر است."

موی سر از مقنعه، آنقدر توی سر جوانان می‌زند که باعث سرخوردگی و روگردانی آنها از اخلاق و مقررات می‌شود. در صورتی که مسئولان معمولاً مسائل اساسی و اعتقادی را کاملاً فراموش کرده‌اند و توجه نمی‌کنند که برخوردهای نامناسب موجب سست شدن اعتقادات آنها نسبت به نظام جمهوری اسلامی می‌شود چون معلمان، معاونان و مدیران مدارس نمایندگان نظام در مقابل دانش‌آموزان به حساب می‌آیند. از طرفی، مدرسه نباید در مورد انحرافات اخلاقی دانش‌آموزان کوتاه بیاید و اگر به این مسائل رسیدگی نشود، انحرافات اخلاقی خیلی بدتر از آنکه هست خواهد شد و در دراز مدت، جامعه را تهدید می‌کند.

اگر دانش‌آموزی بیمار باشد یا از ضرب

هوشی پائینی برخوردار باشد باید تنبیه شود یا از مدرسه اخراج شود؟

در آئیند ماده ۱۰ به این نکته چنین توجه شده است: "در اعمال تنبیهات انضباطی باید به شرایط جسمی و روانی، سنی، خانوادگی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموز توجه شود." زیبا امجد، مشاور، در این باره می‌گوید: "چند سال پیش دانش‌آموزی داشتیم که گرفتار بیماری هایپرآکتیویته (بیش‌فعالی) بود و آنقدر جنب‌وجوش داشت که هم خودش در عذاب بود و هم دیگران. این بیماری باعث شده بود که میزان دقتش پایین بیاید؛ تمرکز حواس نداشت، تکالیفش را انجام نمی‌داد و دائماً با دانش‌آموزان دیگر درگیری پیدا می‌کرد و مورد اعتراض واقع می‌شد. چنین دانش‌آموزی مسلماً مشکل انضباطی هم دارد. مسئولان مدرسه با اینکه می‌دانستند این حرکات و جنب‌وجوش بیش از حد او خودخواسته نیست، چون چنین موردی در آئین‌نامه انضباطی که تنها قانون مدون برای برخورد انضباطی با دانش‌آموزان است وجود ندارد، ناچار او را از مدرسه اخراج کردند و به مدرسه دیگری انتقال دادند. متأسفانه هنوز این بینش وجود ندارد که دانش‌آموزانی که ضرب‌هوشی پائین دارند بدون هیچ‌گونه برخورد خشن با آنها، باید به مدارس استثنایی منتقل شوند. اما دانش‌آموز و والدین او احساس می‌کنند چنین اتفاقی باعث شرمندگی و خجالت آنها می‌شود."

امجد راه‌حل این مشکل را چنین بیان می‌کند: "چاره کار وجود متخصصان تعلیم و تربیت در مدارس است که بتوانند با شناخت کامل از شخصیت، روحیات و میزان هوش و توانایی دانش‌آموزان، مسئولان مدرسه را در اجرای تشویقها، توبیخها و تنبیهات یاری دهند. اما متأسفانه ما هنوز متخصص تعلیم و تربیت که وجودشان بسیار ضروری است در تمام مدارس کشور نداریم. مراکزی برای بچه‌های استثنایی هست، اما اغلب پدر و مادرها راضی نمی‌شوند بچه

خود را به مدارس خاص ببرند."

حضور متخصص تعلیم و تربیت در مدرسه امر مهمی است که تاکنون به آن کم‌توجهی شده است. اگر در دبیرستانهای نظام جدید مشاوران تربیتی حضور دارند، به دلیل لزوم هدایت تحصیلی دانش‌آموزان است. در حالی که دانش‌آموزان در این سن مراحل حساس کودکی و نوجوانی را طی کرده‌اند و به مرحله ثبات‌تر جوانی قدم گذاشته‌اند. در چنین مقطعی برای حضور مشاوران تربیتی بسیار دیراست و حتی تعداد آنها، با توجه به سنگینی و حجم زیاد کارشان، بسیار اندک است و نمی‌توانند به مسائل تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کنند. بعضی از مشاوران تحصیلات مربوط به این حرفه را ندارند و نمی‌توانند کمک چندانی به دانش‌آموزان بکنند.

آیا حضور مشاوران تربیتی در مدارس از بروز

تخلقات دانش‌آموزان پیشگیری می‌کند؟

برخی تصور می‌کنند که مشاوره کار راحتی است. بعضی معلمان ترجیح می‌دهند حتی با تحصیلات نامتناسب با این رشته، مشاور می‌شوند. معصومه بیگدلی، مشاور، خاطره‌ای تعریف می‌کند که با جلب محبت و اعتماد یک دانش‌آموز باعث شد او مشاور را محرم خود بداند و از مشکلی

که سه سال با آن درگیر بود پرده بردارد و سرانجام با تلاش و همکاری با مشاور توانست بر مشکلش فائق آید: "مشکل اخلاقی را راحت‌تر از مشکل روانی می‌توان حل کرد. نقاط ضعف را می‌توان به نقاط قوت تبدیل کرد، باعث اعتماد به نفس فرد شد و دانش‌آموز را به راه درست هدایت کرد. نقش خانواده هم در این میان بسیار مهم است. مواردی بوده که ما تمام مسائل را برای دانش‌آموز تشریح کرده‌ایم و راه درست را به او نشان داده‌ایم، اما خانواده با روش غلطی که در پیش گرفته تمام رشته‌های ما را پنبه کرده است. برخی خانواده‌ها توجهی به فرزندان خود ندارند و نسبت به آنها بی‌تفاوت‌اند و همین بی‌تفاوتی منجر به انحراف نوجوان یا جوان می‌شود. اگر خانواده با مدرسه همکاری کند و فردی متخصص در مدرسه حضور داشته باشد، مشکلات اخلاقی قابل حل است. اما مشکلات روانی را چون در حیطه اراده فرد نیست و نوعی بیماری است، باید به متخصص روانی ارجاع داد. این وظیفه متخصص تربیتی است که تشخیص دهد فرد مشکل روانی دارد و باید به او کمک شود. اگر این امکانات در مدارس به وجود بیاید، بسیاری از دانش‌آموزانی که مشکل اخلاقی، روانی یا ذهنی دارند پیش از آنکه کارشان به اخراج بکشد مشکلشان حل می‌شود."



رسول عامری، کارشناس تعلیم و تربیت، موضوع را جندسویه می‌بیند: "بسیاری از معضلات اخلاقی که در مدارس به وجود می‌آید ناشی است از آنچه جامعه، خانواده و محیط اطراف به فرد القا



**"در دوره دبیرستان
اخراج کمتر صورت
می‌گیرد، چون معمولاً
بچه‌ها هدف زندگی خود
را انتخاب کرده‌اند و
می‌خواهند زودتر
در سشان را بخوانند و
وارد محیط کار یا
دانشگاه شوند،
مسئولانه‌تر رفتار
می‌کنند و کمتر مرتکب
خلاف می‌شوند. اما در
دوره راهنمایی مسئله
حادتر است، چون
دانش آموز در پیدا کردن
هدف و راه زندگی خود
هنوز گیج و سردرگم و از
نظر شخصیتی بسیار
حساس و آسیب پذیر
است."**



می‌کنند. خانواده، صدا و سیما، سینما، جامعه و نیروها انتظامی جوانان را در معرض خشونت و ناهنجاریهای رفتاری و اخلاقی قرار می‌دهند. اگر فرد جوان در خانه ویدئو و ماهواره در دسترس داشته باشد اوضاع از این هم بدتر است. همین عوامل مشکلات فرهنگی پیچیده‌ای به وجود می‌آورد."

عامری تأیید می‌کند که متخصص تعلیم و تربیت باید متعهد هم باشد: "مشاور متخصص و غیرمتعهدی را می‌شناسم که در يك مدرسه برای حل مشکل يك دانش آموز او را تشویق به دیدن فیلمهای خلاف اخلاق کرده است چون خودش اعتقاد دارد که دیدن این فیلمها هیچ اشکالی ندارد، در حالی که فرهنگ جامعه ما اصلاً با چنین فیلمهایی همخوان نیست."

منصور غلامی، دبیر بازنشسته، هم مدرسه را تنها بخشی از زندگی فرهنگی دانش‌آموز می‌بیند: "وقتی حادثه‌ای برای دانش‌آموزی پیش می‌آید، همه مدرسه را محکوم و محاکمه می‌کنند. اما عوامل دیگری در کنار مدرسه هست که باید به آنها توجه کرد. متأسفانه در کشور ما رسم است که وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، بدنبال يك مقصر می‌گردیم که تمام گناهها را به دیگران او بیاندازیم. وقتی چنین وقایعی پیش می‌آید، دولتمردان مسئولند مشکل را ریشه‌یابی کنند، نه اینکه دنبال مقصر بگردند و وقتی مقصر مشخص شد فکر کنند مسئله حل شد. مثلاً در مورد خودسوزی دانش‌آموز اسلامشهری، اگر مدیر مدرسه برای اخراج دانش‌آموز مطابق آئین‌نامه عمل می‌کرد، از بی‌سوادی و ناآگاهی مادر دانش‌آموز سوء استفاده نمی‌کرد و بدون توجه به آئین‌نامه که در آن تأکید شده تنبیه و اخراج باید با توجه به شرایط جسمی، روانی، سنی، خانوادگی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموز انجام گیرد، چند برگه بی‌ارزش را به جای پرونده تحصیلی به دست دانش‌آموز نمی‌داد، دانش‌آموزی که مشخص نبوده در چه وضعیت خانوادگی و روحی به سر می‌برد به چنان سرنوشتی دچار نمی‌شد. اگر در همین مدرسه فردی آگاه به مسائل تربیتی حضور می‌داشت که دانش‌آموز به راحتی می‌توانست با او صحبت کند و مشکل، مسئله و غمش را بیرون ببرد، حتی اگر واقعاً اخراج هم می‌شد خودسوزی نمی‌کرد و اگر راهنما داشت به جای خودکشی حتماً به دنبال چاره‌ای برای حل مشکلش بود. حضور متخصصان واقعی علوم تربیتی در مدارس می‌تواند ۵۰ درصد مشکلات دانش‌آموزان را حل کند و این حضور در مدارس دبستان و راهنمایی بیشتر مورد نیاز است، چون اساس شکل‌گیری شخصیت کودک در دوره ابتدایی است. در حال حاضر مشاورانی که در دبستانها و مدارس راهنمایی مشغول به کارند اغلب دیپلمه‌اند و این تصور وجود دارد که تا وقتی دانش‌آموزان کم سن ترند نیازی به متخصص ندارند و حتی در مورد آموزگاران دبستان هم از دیپلمه‌ها استفاده می‌شود که فقط چند دوره کوتاه آموزش تدریس می‌گذرانند. اما اگر معلمان دوره دبستان و راهنمایی متخصص باشند دانش‌آموزان هم از نظر اخلاقی درسی پیشرفت می‌کنند."

به نظر منصور غلامی "باید از متخصصان فوق‌لیسانس و حتی دکتر در دبستانها استفاده کرد و

چوب و فلک مقررات، قانون

این آئین‌نامه ظاهراً برای کمک به رشد استعدادها و بهسازی دانش‌آموزان تنظیم شده است. اینکه آیا به هدف مورد نظر رسیده‌اند یا نه، بحثی تربیتی است. از دیدگاه حقوقی، این آئین‌نامه دو ماده بسیار مهم دارد که روی آن می‌توان بحث کرد. ماده اول، وظایف دانش‌آموزان را در مدرسه بیان می‌کند و برای آنها تکالیفی ایجاد می‌کند. لازم است که يك دانش‌آموز این تکالیف را رعایت کند. اما اشکال زمانی پیدا می‌شود که برای این اقدامات ضمانتهای اجرایی هم در نظر می‌گیریم. در ماده‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۰ ضمانتهای اجرایی برای کسانی که در اجرای وظایف ماده ۲ مرتکب تقصیر می‌شوند یا تخلف می‌کنند در نظر گرفته است. در این مواد با مجازاتهایی روبه‌رو هستیم و در صورتی که دانش‌آموز متخلف تکالیف انضباطی خود را انجام ندهد باید به یکی از طرق مذکور در این فصل تنبیه شود. اقداماتی که به صورت تنبیه در نظر گرفته شده از اخطار شفاهی شروع می‌شود و تا اخراج و تغییر مدرسه ادامه دارد. حتی تحت شرایطی تا مدتی که شورای تربیتی اداره کل آموزشی و پرورش استان معین می‌کند دانش‌آموز از حضور در مدارس محروم می‌شود.

این محرومیتها از دو زاویه قابل ایراد است. يك زاویه حقوقی است که مردم از آن برخوردارند، یعنی حقوق ملت. از این دیدگاه، برخی از مجازاتهای مذکور در این آئین‌نامه حق مردم را به استفاده از آموزش و پرورش نقض می‌کند. یعنی در جایی که می‌گوید دانش‌آموز سه روز از حضور در مدرسه محروم می‌شود و به طور موقت از مدرسه اخراج می‌شود، یا در بند دیگری که می‌گوید در صورتی که دانش‌آموز پس از تخلفات مکرر از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر منتقل شود، یا اگر شرایطی خاص داشته باشد در شرایطی برای مدتی معین از حضور در مدرسه محروم شود، همه اینها محرومیت دانش‌آموز است از حقی که قانون اساسی برای او در نظر گرفته است: حق استفاده از آموزش و پرورش رایگان.

اما از دیدگاه دیگری هم این مواد اشکال دارند. برای توضیح این بخش، مقدمه‌ای لازم است: طبق قانون اساسی، تعیین این مهم که چه عملی تخلف و جرم است و برای آن چه مجازاتی باید در نظر گرفت به عهده مجلس است. مجلس باید تعیین کند که چه عملی ارتکابش ممنوع است و برای این عمل ممنوع چه مجازاتی برای شخص متخلف در نظر گرفته شده. هر مرجع دیگری غیر از مجلس شورای

محمدرضا کامیار
کارشناس قضایی

اسلامی اقدام به وضع مجازات کند در واقع این اصل قانون اساسی را نفی کرده است.

از طرفی، صدور حکم مجازات هم در صلاحیت دادگاههایی است که قانون معین می‌کند. در مورد برخی تخلفات، دادگاههای اداری مأمور رسیدگی می‌شوند، در بعضی دیگر دادگاههای دادگستری، و در مواردی دادگاه انقلاب یا نظامی. تعیین این نکته که چه کسی باید حکم مجازات تعیین کند به عهده قانون است.

آئین نامه از نظر رتبه‌بندی زیرمجموعه قانون است. آئین نامه انضباطی را شورای عالی آموزش و پرورش تنظیم و تصویب کرده است. موادی که در آن اخطار و اخراج دیده می‌شود معنی دیگری نیز دارد. یعنی برای مجازات تخلفاتی ضمانت اجرا در نظر گرفته، و ما نمی‌توانیم به آن عنوان دیگری جز مجازات بدهیم. مجازات تخلفاتی که فرد انجام می‌دهد، اخطار تذکر، اخراج، انتقال از مدرسه و محرومیت از تحصیل است.

این اقدامات که در آئین نامه از حیث ماهیت مجازات به حساب می‌آیند ضمانت اجرای رعایت تکالیف هستند. اما این مجازاتها را شورای عالی آموزش و پرورش تعیین کرده است. به عبارتی، شورای عالی آموزش و پرورش اقدامی کرده که جزو اختیاراتش نبوده است. به نظر من باید شورای عالی آموزش و پرورش این آئین نامه را به صورت طرح یا لایحه به نوعی به تصویب مجلس می‌رساند و در نهایت مرجع صدور حکم و تشخیص باید دادگاههایی (فرضاً به نام دادگاههای آموزشی) باشند، یا مدیران مدرسه. با تخلفات دانش آموزان باید مقابله کرد، اما باید قانونی مقابله کرد. قانون یعنی مصوبات مجلس شورای اسلامی که، در معنای عام، شامل آئین نامه هم می‌شود. اما زمانی که آئین نامه در بیان توضیح و تشریح قانون باشد، چیزی علاوه بر قانون نباید در آئین نامه بیاید.

در این آئین نامه اقدام به تعیین قانون مجازات و ایجاد تکلیف شده است، حال آنکه ایجاد تکلیف و ایجاد حق و تعیین مجازات جزو وظایف و اختیارات آموزش و پرورش نیست. نبود نظارت کافی از سوی آموزش و پرورش بر مدیران مدارس موجب شده که آنها آئین نامه‌های جدیدی که برخلاف قانون است برای مدارس خود وضع کنند. مدرسی که اقدام به تدوین آئین نامه کرده‌اند مرتکب تخلف در قانون شده‌اند. چون اقدام به تعیین قانون، تعیین مجازات و ایجاد تکلیف

کرده‌اند. حال آنکه ایجاد تکلیف، ایجاد حق و تعیین مجازات جزو وظایف و اختیارات اینها نیست و این مسئله به نوعی ناشی از عدم نظارت آموزش و پرورش بر مدیران است و مشکل اصلی این است که آموزش و پرورش نیز یک عمل قانون‌مدارانه در این موضوع نکرده است. پس وجود تمام این آئین نامه‌ها که به اشکالات تربیتی آنها در اینجا اشاره نمی‌کنیم حاکی از نقض قانون است و به نظر من قابل پیگرد است.

اگر برخوردی جرم باشد (مثلاً ایراد ضرب جرم است و اگر مدیر یک مدرسه دانش آموزی را بزند این رفتار خلاف قانون است و قانونگذار آنها را ممنوع کرده) برای شکایت از آنها باید به دادگستری مراجعه شود. در عین حال، دادگاههای اداری هم هستند که به تخلفات اداری کارمندان رسیدگی می‌کنند. مثلاً از یک کارمند وظیفه‌نشناس می‌توان به دادگاه تخلفات اداری شکایت کرد. پس مرجع صالح برای رسیدگی به شکایت اولیا و دانش آموزان از مدیران متخلف - اگر آموزش و پرورش خود کمیته‌هایی وضع نکرده باشد و اگر شکایات در قالب تخلفات اداری یا جرائم باشد - اول باید در دادگاه تخلفات اداری و سپس در دادگستری مطرح شود. اما اگر شکایات در مورد نحوه اداره مدرسه است، چون این مورد سلیقه‌ای است، باید با مدیران بالاتر در آموزش و پرورش منطقه مطرح شود.

نحوه مدیریت سلیقه‌ای است. مدیری می‌گوید دانش آموزان باعث رأس ساعت هفت اینجا باشند وگرنه از نمونه انضباطشان کم می‌شود. این کاری است در حدود اختیاراتش. اگر آنچه در حدود اختیاراتش است بد عمل کند باید به منطقه آموزش و پرورش و شخص بالاتر از مدیر مراجعه کرد. اما اگر مدیر مدرسه کسانی را که دیر آمده‌اند پشت در نگه دارد و به آنها با الفاظ رکیک توهین کند یا تنبیه بدنی کند، در این مورد باید به دادگستری یا دادگاه تخلفات اداری مراجعه کرد.

مهمترین اشکالها به بخش تخلفات مربوط می‌شود، یعنی جایی که اقدام به تعیین تنبیهاتی برای دانش آموزان کرده، تعیین این تنبیهات در صلاحیت قانونگذار است نه آموزش و پرورش. ارگان نظارتی خوبی هم برای اجرای آئین نامه وجود ندارد و کسی نمی‌داند از متخلفان این آئین نامه به کجا شکایت کند.

به طور کلی می‌توان از آئین نامه‌های دولتی شکایت کرد و گفت با قانون مغایرت دارد. این اختیار را قانون اساسی به همه داده که از تصمیمات ادارات دولتی شکایت کنند، اما مرجع آن دیوان عدالت اداری است. اگر آنجا تشخیص داده شود که بندی از آئین نامه با قانون عادی یا قانون اساسی مغایرت دارد، می‌توان آن بند را باطل کرد. □

مشاوران دیپلمه را به دبیرستانها فرستاد، چون در دبیرستان شخصیت افراد شکل گرفته است و اگر مشکلات اخلاقی و شخصیتی در مقاطع پایین‌تر حل شده باشد، دیگر نیازی به متخصص در دوره‌های بالاتر تحصیلی نیست. اگر هم بخواهیم تنبیه کنیم، تنبیه باید سازنده باشد، چون تنبیه یعنی آگاه کردن. در حال حاضر، تنبیه فقط جنبه توسری زدن پیدا کرده است."

در آئین نامه

اجرای آموزش و پرورش نه مرحله برای تنبیه و تأدیب دانش آموزان ذکر شده است. در

مدارس این مراحل به ترتیبی که در آئین نامه ذکر شده اجرا نمی‌شود و مدیران سلیقه‌ای عمل می‌کنند."

ضرورت و درستی اخراج يك دانش آموز را چه

کسی باید تشخیص بدهد؟ منصور غلامی: "این ضرورت را باید يك هیئت تشخیص بدهد، نه يك فرد. مدیر مدرسه ممکن است از روی برخی مسائل شخصی یا روی محدودیت فکری چنین تصمیمی بگیرد. اما چون آئین نامه انضباطی را غلط اجرا می‌کند نباید گفت که اصلاً نباید اجرا شود و کل قضیه اخراج را کنار گذاشت. اگر اخراج درست اجرا شود مؤثر هم هست و می‌تواند فرد را جداً تنبیه کند. اما متأسفانه آدمهای آگاه در این زمینه زیاد نداریم و اکثر مدیران مدارس سلیقه‌ای اعمال نظر می‌کنند و توجه ندارند که این کار در درازمدت چقدر به جامعه لطمه می‌زند. افراد ناآگاه چشمهای خود را بسته‌اند و تصور می‌کنند کسی آنها را نمی‌بیند. اگر وضع به همین شکل ادامه پیدا کند و قضاوت‌های نادرست، برخوردهای نامناسب و سلیقه‌ای و عدم توجه به روحیات و شخصیت دانش آموزان باعث می‌شود که تا چند سال دیگر ایران از نظر میزان بالا رفتن فساد و فحشا تا بلند دوم باشد." □